

ژوزه ساراماگو

برنده جایزه نوبل ۱۹۹۸

# گوری

ترجمه اسدالله امرایی



ketabTala

# کوری

ژوزه ساراماگو

برنده جایزه نوبل ۱۹۹۸

ترجمہ

اسدالله امرایی

ویراستار

غلامحسین سالمی



امارات مروارید

ساراماگو، ژوزه، ۱۹۲۲. Saramago, Jose

کوری / ژوزه ساراماگو: ترجمه اسدالله امرایی - تهران: مروارید، ۱۳۷۸، ص ۳۸۷

ISBN 978-964-6026-70-4

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا (فهرست نویسی پیش از انتشار)  
عنوان اصلی: Ensaio sobre a cegueira = Blindness: a Novel.  
۱. داستان های پرتغالی - قرن ۲۰. الف. امرایی، اسدالله، ۱۳۳۹ - مترجم. ب. عنوان  
ک ۱۶ ص ۳ / PZ ۸۶۹/۳۴۲ ۱۳۷۸

م ۷۸-۲۷۵۲

کتابخانه ملی ایران

چاپ اول ۱۳۷۸، چاپ سی و هشتم ۱۴۰۱



موروارید

تهران، خیابان انقلاب، روبه روی دانشگاه تهران، پلاک ۱۱۸۸ / ص. ب. ۱۶۵۴ - ۱۳۱۴۵  
دفتر: ۰۸۶۶-۰۶۶۴-۰۲۶-۶۶۴۱۳۰۲۶ - فاکس: ۰۲۷-۶۶۴۸۴۰۲۷ فروشگاه: ۰۶۶۴۶۷۸۴۸  
<https://instagram.com/morvaridpub> - <https://telegram.me/morvaridpub>  
تلفیب و ارسال رایگان: [www.morvarid.pub](http://www.morvarid.pub)



## کوری

ژوزه ساراماگو

ترجمه اسدالله امرایی

ویراستار غلامحسین سالمی

طراح جلد فرشید متقالی

چاپ سی و هشتم: بهار ۱۴۰۱

لیتوگرافی: سیب

چاپ و صحافی: الفبا

کودهای فارسی: مروارید

کرواسی است

ISBN: 978-9



۹ 780000 701749

۱۰.۱۰۰۰.۰۰۰

نشانه های سرفصل

شاپکد: ۰۲۶-۷۰-۴

ترجمه این کتاب را پیشکش  
می‌کنم به یاد استادم خانم دکتر  
مریم خوزان.

پاس مهر

۱۱

## فهرست

۵

مقدمه

۷

کوری

۳۷۷

گزیده متن سخنرانی

## مقدمه

### چشم دل بایدت

ژوزه ساراماگو هفتاد و شش ساله نویسنده پرتغالی برنده جایزه نوبل ادبیات ۱۹۹۸ را نویسنده‌ای می‌دانند که داستان‌هایش سرشار از رویا و طنز تلخ‌گزنده است. ساراماگو نویسنده‌ای خود ساخته است که مثل همه نویسندگان قَدَرِ قرن بیستم سال‌های اولیه شکل‌گیری شخصیت‌اش در دست و پنجه نرم کردن با مشکلات سپری شد.

مشخصه نثر و سبک نوشتاری او در حداقل استفاده از قواعد و علائم نشانه‌گذاری، بازی با زمان افعال و پشت سرهم عوض شدن فاعل جمله‌هاست. در کل کتاب چهار علامت سؤال و یک گیومه به کار رفته است. خواننده همواره بین اول شخص و سوم شخص سرگردان است و تا یکی دو صفحه نخواند، نمی‌تواند متن را به خوبی دریابد و به ضرباهنگ کتاب خو بگیرد. پاراگراف‌های طولانی و تخت تا اندازه‌ای غیرعادی است اما زبان توصیفی کتاب چنان است که خواننده را مسحور می‌کند و کنار گذاشتن کتاب برای خواننده سنگین می‌شود و نمی‌تواند از آن دل بکند.

سازاماگو در کوری آینه گردان فروپاشی جامعه بشری است که به رغم برخورداري از همه مواهب طبيعي و علمي و فني در وضعي بغرنج قرار مي‌گيرد. نويسنده کوري به حد افراط از تمثيل و استعاره بهره برده است. استفاده از نمادهای اسطوره‌ای و تلمیحات مکرر از کتاب مقدس نشانه بارز تبحر نويسنده است. از میان چهار کتابي که از اين نويسنده خوانده‌ام، رمان کوري را برای ترجمه انتخاب کردم و سعی و کوشش خود را به کار برده‌ام تا سبک و سياق نويسنده در ترجمه صدمه نينند. برای آشنایی بهتر با اين نويسنده خوانندگان را به گزیده متن سخنرانی وی در مراسم دريافت جايزه دعوت مي‌کنم که گویای بسیاری از مسائلي است که قصد داشتم در اين مختصر بگويم. در پایان لازم می‌دانم از آقای منوچهر حسن‌زاده مدير انتشارات مرواريد قدردانی کنم که زمینه‌ساز فراهم آمدن اين ترجمه شدند.

اسدالله امرایی

چراغ زرد روشن شد. دو تا از ماشین‌های جلویی گاز دادند و پیش از قرمز شدن چراغ رد شدند. با روشن شدن چراغ عابر پیاده آدمک سبز وسط چراغ پیدا شد. آدم‌های پیاده



که منتظر سبز شدن چراغ بودند راه افتادند و پا روی خط‌های سفیدی گذاشتند که بر سطح سیاه آسفالت به چشم می‌خورد. این خطوط هیچ شباهتی به گورخر ندارد اما اسمش را دارد. سواره‌ها بی‌صبرانه، پا روی کلاچ گذاشته، آماده لحظه اعلام حرکت بودند، مثل اسب‌های بی‌تابی که صدای شلاق را پیش از فرود آمدن حس می‌کنند. پیاده‌ها تازه از عرض خیابان گذشته‌اند اما چراغ علامتی که دستور حرکت سواره را بدهد هنوز روشن نشده است. بعضی‌ها حساب می‌کنند که این تأخیرهای جزئی را اگر در تعداد هزاران چراغ راهنمایی توی شهر ضرب کنیم و در نظر بگیریم که هر کدام از آنها سه رنگ دارند، یکی از مهمترین عوامل راه بندان یا به عبارت درست‌تر بند آمدن گلوگاه به دست می‌آید.

## کوری

روزه‌ساز اماگو در رمان خود کابوسی هولناک را باز می‌آفریند. جامعه شهری پیشرفته‌ای با همه امکانات ناهمان به بربریت باز می‌گردد و کل ساختار زندگی جمعی به انحطاط کشیده می‌شود. رشته‌های الفت و تعهد از هم می‌گسند و یکی یکی از بین می‌رود. دلت‌مونگافانه در سبک و ساختار نوشتن، حذف علامت نقله‌گذاری، عدم تطابق زمان‌ها خواننده‌را وا می‌دارد تا در هر لحظه به طرایف معنی بیندیشد. نتیجه رمانی است عمیق، تفکر برانگیز و کثافی که در طی سال‌های اخیر سابقه نداشته‌است.

رمانی عمیقی و نکلان‌دهنده. در عین حال که کاملاً خیالی به نظر می‌رسد، تصویری هولناک از واقعیت است.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

